

بررسی فقهی میقات ذوالحلیفه

غلام‌سخی رضایی^۱

چکیده

در بیشتر ابواب فقه، مسائلی وجود دارد که همه فقها درباره آن، دیدگاه یکسان ندارند. از جمله میقات ذوالحلیفه از موضوعاتی است که دیدگاه‌های متفاوت و مختلف فقهی در خصوص آن مطرح شده است. بررسی این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است؛ یکی احرام از منظر تمامی علما و فقه‌های اسلامی اولین جزء حج محسوب می‌شود که باید قبل از سایر اعمال حج انجام بگیرد و دیگر آنکه احرام باید از مواقیط و مکان‌هایی باشد که رسول اکرم (ص) آن را معین فرموده است. این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی و استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده و دریافته است که در خصوص احرام از میقات ذوالحلیفه، چهار دیدگاه فقهی از جانب فقه‌های امامیه وجود دارد: صحت احرام از خارج مسجد شجره، وجوب احرام از داخل مسجد بنا بر احتیاط، وجوب احرام از داخل مسجد برای غیر معذورین و وجوب احرام از داخل مسجد شجره به صورت مطلق، دیدگاه‌های فقهی هستند که درباره احرام از ذوالحلیفه ارائه شده است. اختلاف دیدگاه‌ها و اقوال در حکم فقهی احرام از ذوالحلیفه، ریشه در روایات وارده در این موضوع دارد.

کلیدواژه‌ها: میقات، حج، ذوالحلیفه، فقه، احرام

۱. مدرس حوزه علمیه هرات، جامعه المصطفی العالمیه، هرات، افغانستان



مقدمه

میقات عمره تمتع، نقطه آغازین ورود به مناسک حج و از اهمیت بالایی در ترتیب اعمال عبادی برخوردار است. در این مرحله، حاجی موظف است که پیش از ورود به حرم مکه، از یکی از مواقیت پنج‌گانه عبور کرده و در آن مکان، نیت احرام نماید. این مواقیت، بر اساس روایات معتبر و سیره پیامبر اسلام (ص)، از سوی شارع مقدس مشخص شده‌اند و عبور از آن‌ها بدون احرام، جایز نیست. به عبارت دیگر، احرام از میقات شرط صحت اعمال حج شمرده می‌شود و تخطی از آن، موجب اشکال در روند صحیح انجام مناسک خواهد شد.

حکم وجوب احرام از میقات، بر پایه نصوص دینی و اجماع فقها، از وضوح و قطعیت بالایی برخوردار است. به همین جهت، مسلمانانی که قصد انجام عمره تمتع دارند، باید با دقت مسیر خود را بررسی کرده و در صورتی که از یکی از مواقیت عبور می‌کنند، در همان نقطه محرم شوند. در غیر این صورت، موظف به رجوع و احرام از میقات یا انجام کفاره‌های معین خواهند بود.

میقات ذوالحلیفه، که در نزدیکی مدینه منوره واقع شده و در روایات به نام «مسجد شجره» نیز شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین این مواقیت است. این میقات، مخصوص زائرانی است که از مدینه یا نواحی شمالی شبه جزیره به سوی مکه مشرف می‌شوند. بررسی فقهی این میقات و احکام مربوط به آن، به‌ویژه با توجه به اختلافاتی که در برخی جزئیات میان مذاهب فقهی وجود دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است و موضوع اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

۱. معنای میقات

میقات از نظر لغت هم به زمان و هم به مکان اطلاق می‌شود. «المیقات الوقت المضروب للفعل والموضع؛ میقات مصدر وقت و وقت به معنای مقدار زمان است. کل شیء قدرت له حینا فهو الموقت. وقت بیشتر برای زمان ماضی استعمال می‌شود و گاهی برای مستقبل نیز به کار می‌رود. به گفته ابن منظور سیبویه لفظ وقت را در مکان نیز استعمال کرده و این



استعمال تشبیه به وقت زمانی است. لانه مقدار مثله قال سیبویه: ویتعدی الی ماکان وقتاً فی المکان کمیل و فرسخ و برید و الجمع اوقات و هو المیقات» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲، ۱۰۷).

جوهری واژگان وقت و میقات را به صورت ذیل تعریف کرده است: «الوقت معروف والمیقات الوقت المضروب للفعل والموضع یقال هذا میقات اهل الشام للموضع الذی یحرمون منه و تقول: وقته فهو موقوف اذا بین للفعل وقتاً یفعل فیه و منه قوله تعالی ان الصلاة كانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً ای مفروضاً فی المیقات» (جوهری، ۱۴۰۷: ۱، ۲۷۰).

میقات در اصطلاح فقها به مواضع و مکان های معینی اطلاق می شود که آن را خداوند، برای مسلمان محل احرام قرار داده است. شهید ثانی در تعریف میقات می نویسد: «الموضع المعین له» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۲۱). در مسالک نیز میقات این گونه تعریف شده است: «الموضع المعین له... و هو المستعمل شرعاً» (شهید ثانی، ۱۴۱۴: ۲، ۲۱۲).

صاحب کشف اللثام نیز در اصطلاح فقهی، میقات را به مکان هایی اطلاق کرده که خداوند آن ها را معین کرده است: «ای الامکنه المحدوده شرعاً للاحرام منها» (فاضل هندی، ۱۳۹۳: ۴، ۶۳۰). همچنین کلام صاحب ریاض المسایل در تعریف میقات مانند کشف اللثام است: «ای الامکنه المحدوده شرعاً للاحرام بحیث لایجوز لأهلها التجاوز من غیرها اختیاراً الا اذا لم یثود طریق الیه» (طباطبایی، ۱۴۱۵: ۶، ۱۷۷). صاحب عروة الوثقی هر چند با عبارت متفاوت آن را در اصطلاح فقهی تعریف کرده است؛ اما از نظر معنا تفاوتی دیده نمی شود: «وهی المواضع المعینه للاحرام، اطلقت علیها مجازاً أو حقیقة متشرعیة» (طباطبایی یزدی، بی تا: ۲، ۵۵۱). مرحوم آقای خویی نیز در معنای اصطلاحی میقات، کلام صاحب عروه را آورده است (خویی، ۱۴۱۹: ۲، ۳۲۹).

۲. میقات زمانی

از آنجا که میقات از وقت گرفته شده و اصالتاً وقت بر زمان اطلاق می شود، ناگزیر قبل از پرداختن به میقات مکانی، میقات زمانی بررسی گردد. همه فقها در دو تا از مواقیت زمانی حج و عمره اتفاق نظر دارند و آن دو عبارت است از شوال و ذی القعدة؛ اما اختلاف در ماه



ذی الحجه است، هرچند همه فقها ذی الحجه را از مواقیت می‌دانند؛ اما این که تعداد چند روز از ذی الحجه جزء مواقیت است، اختلاف شده است.

میان علما و فقهای شیعه در بیان میقات زمانی حج و عمره اختلاف است و می‌توان در این مسئله پنج قول را ذکر نمود. ۱ - تمام ماه شوال، تمام ماه ذی القعدة و تمام ماه ذی الحجه. ۲ - تمام شوال، تمام ماه ذی القعدة و ده روز از اول ماه ذی الحجه. ۳ - تمام ماه شوال، تمام ماه ذی القعدة و هشت روز از ماه ذی الحجه که ابتدای آن از شب اول ماه و انتهای آن شب نهم ذی الحجه است. ۴ - ماه شوال، تمام ماه ذی القعدة و نه روز از ماه ذی الحجه و شب یوم النحر تا طلوع فجر. ۵ - نفس قول چهارم، با این تفاوت که شب یوم النحر را تا طلوع شمس شامل است.

قول اول، مختار شیخ طوسی در نهاییه است. وی ماه ذی الحجه را مطلق و بدون کدام قیدی ذکر کرده است. چنانکه می‌فرماید: «والمتمتع انما یکون متمتعا اذا وقعت عمرته فی اشهر الحج و هی شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة» (طوسی، بی تا: ۲۰۷). حضرت امام صادق^(ع) در تفسیر آیه ۱۹۷ سوره بقره (الحج اشهر معلومات...) فرموده است: «شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة» (طوسی، ۱۳۶۵: ۵، ۴۵). همچنین نظر ابن جنید بنابر آنچه در کتاب مختلف آمده، نیز همین قول است (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۴، ۲۷). این دیدگاه منتخب مرحوم صدوق در من لایحضر نیز است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۲، ۴۵۷). قول دوم نیز طرفدارانی دارد؛ از جمله سلار در المراسم به این قول معتقد است. وی می‌گوید: «واعلم ان اشهر الحج شوال ذی القعدة وعشرة من ذی الحجة فمن عقد الاحرام بالحج فیهن والا كان لغوا؛ منظور از اشهر حج، شوال ذی القعدة و ده روز از ذی الحجه است...» (سلار بن عبدالعزیز، ۱۴۱۴: ۱۰۴).

قول سوم، منتخب ابوصلاح حلبی در الکافی فی الفقه است که می‌گوید: «و اما الوقت للاحرام فاشهر الحج شوال و ذوالقعدة و ثمان من ذی الحجة» (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۰۱). قول چهارم دیدگاه شیخ در الاقتصاد است که می‌گوید: «والزمان الذی یصح الاحرام فیه للتمتع بالعمرة الى الحج والقرآن و الافراد له و هو شهور الحج و هی شوال و ذوالقعدة و تسعة الايام الاول من ذی الحجة»؛ (طوسی ۱۴۰۰: ۱، ۳۰۰) اما قول پنجم، دیدگاه ابن ادریس



در السرایر است که می‌گوید: «شوال و ذوالقعدة و الی طلوع الشمس من یوم العاشر» (ابن ادریس، ۱۴۰۷: ۱، ۵۲۴).

۳. میقات مکانی

فقها در این که میقات‌ها چند جا است، نظریات مختلف داده‌اند. مرحوم علامه در منتهی المطلب و تحریر الاحکام میقات را پنج جا دانسته است، ولی مرحوم محقق در شرایع و علامه در قواعد منحصر در شش جا دانسته‌اند. بعضی نیز هفت و گروهی تا ده گفته‌اند که با دقت نظر در آن‌ها، می‌توان همه را صحیح دانست؛ زیرا اگرچه در بعضی روایات مانند صحیح حلی آمده است. «عن الحلی قال: قال ابو عبد الله الاحرام من مواقیت خمسة وقتها رسول الله لا ینبغی لحاج ولا لمعتمر ان یحرم قبلها ولا بعدها وقت لأهل المدینة ذا الحلیفة و هو مسجد الشجرة یصلی فیہ و یفرض فیہ الحج و وقت لأهل الشام الجحفة و وقت لأهل نجد العقیق و وقت لأهل الطائف قرن المنازل و وقت لأهل الیمن یلملم و لا ینبغی لاحد أن یرغب عن مواقیت رسول الله» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۰۸).

صحیح معاویه بن عمار، علاوه بر پنج میقات یاد شده در صحیح حلی؛ میقات ششمی هم افزوده است و آن برای کسانی است که خانه‌شان پشت این مواقیت واقع شده که به مکه مکرمه نزدیک‌تر است. هم‌چنین میقات و محل احرام بستن برای حج، مکه مکرمه است. بنابراین تعداد میقات‌ها به هفت می‌رسد و اگر «ادنی الحل» را هم به آن‌ها بیفزاییم مانند مسجد تنعیم، جعرانه و حدیبیه بیشتر می‌شود.

بنابراین بحث درباره عدد و شماره میقات‌ها را می‌توان یک بحث لفظی دانست. در اینجا این مسئله مشخص می‌شود، اگر کسی عازم مکه مکرمه است، آیا قصد عمره است، یا حج؟ اگر برای عمره محرم می‌شود، از کدام راه به مکه می‌رود، اگر از راه مدینه عازم مکه است، از ذوالحلیفه محرم شود، از راه شام، از قرن منازل، از راه طائف، از منطقه وادی عقیق، از راه عراق از ذات عرق، از راه نجد، از قرن المنازل و از راه یمن از یلملم محرم شود.

۴. میقات ذوالحلیفه

یکی از مواقیت در حج، میقات ذوالحلیفه است که بررسی فقهی آن، موضوع این نوشتار را تشکیل می‌دهد.



۴_۱. ذوالحلیفه از نظر جغرافیا

در هنگام خروج از مدینه به سمت مکه، در ناحیه جنوب این شهر، در فاصله تقریباً چهارده کیلومتری مسجدالنبی^(ص)، سه کیلومتر پس از مسجد قبا، منطقه‌ای است، به نام ذوالحلیفه که مسجد شجره یا میقات اهل مدینه، در آنجا واقع شده است (عبدالرحمن، ۱۴۲۰: ۱۶۷) و آبار علی که منطقه‌ای وسیع است، نیز در آنجا قرار دارد و در مغرب شهر، کوه عیر، کامیر و کوه احد است که از همه کوه‌های اطراف مدینه مرتفع است و در موقع طلوع خورشید، آفتاب اول بر آن‌ها می‌تابد و در سمت یسار آن با مقداری فاصله، قریه‌ای است به نام بئر علی که اکنون اعراب به همین اسم، مسجد شجره را هم بئر علی و آبار علی می‌خوانند.

آن طوری که در جغرافیا آمده، میقات مردم مدینه ذوالحلیفه است. لذا زائرین بیت‌الله الحرام بعد از آن‌که از شهر خارج می‌شوند، در اینجا غسل می‌کنند و لباس احرام می‌پوشند. حضرت رسول اکرم^(ص) چهار مرتبه پس از هجرت در این منطقه محرم شدند. ۱- برای عمره قضا که صلح حدیبیه واقع شد. ۲- برای عمره قضا. ۳- برای فتح مکه. ۴- برای حجة الوداع که به حجة البلاغ، یا حجة الاسلام شهرت گرفت.

۴_۲. ذوالحلیفه در تاریخ

رسول اکرم^(ص) در سفر حجة الوداع، نتیجه ۲۳ سال زحمات خستگی‌ناپذیر خود را مشاهده کرد. سرزمینی که هزاران بت معبود ساکنین آنجا بود، اینک یکدل و یک‌زبان با خلوص نیت، از روی اراده مستقل، ندای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» را سر می‌دهند، در همین سال بود که جبرئیل بر پیغمبر خدا^(ص) نازل شد و خبر داد که عمر تو به پایان رسیده، همه احکام اسلامی و آسمانی را ابلاغ کردی، جز دو فریضه بزرگ، یکی حج و دیگری امامت و ولایت. با رسانیدن این دو دستور دین، از جهان می‌روی.

پیغمبر خدا^(ص) اعلان حج فرمود: «مسلمانان از تمام شهرها رهسپار مدینه شدند، رسول خدا^(ص) برای مسلمانان فرمود: این آخرین سفری است که من به حج می‌روم، آنگاه غسل کرد و خودش را معطر نمود، چهار رکعت نماز ظهر خواند، از دروازه مدینه خارج شد و مردم دسته‌دسته و گروه‌گروه او را مشایعت نمودند، در حدود صد و بیست هزار نفر آن طوری که ابن جوزی نقل کرده است، همراه حضرت بودند پیغمبر خدا^(ص) به همراه مسلمین از



میقات ذوالحلیفه محرم شدند» (ساعدی اصفهانی، بی تا: ۲۷۷-۲۷۸).

این میقات از منظر تاریخی چهار نام دارد. ۱- ذوالحلیفه. ۲- مسجد الاحرام. ۳- مسجد شجره. ۴- آبار علی. رسول اکرم^(ص) برای سه سفر عمره و یک سفر حج در این میقات محرم شدند: ۱- در سال صلح حدیبیه که نتوانستند عمره انجام دهند یعنی سال ششم هجری. ۲- سال هفتم هجری رسول اکرم^(ص) از همین میقات محرم شدند، باز عمره انجام نشد. ۳- سال فتح مکه که سال هشتم هجری است. ۴- حجة الوداع که سال دهم هجری است (طبری، بی تا: ۲، ۴۱۰).

برای شناخت کامل این میقات لازم است، نام‌های چهارگانه آن، مورد توجه و دقت قرار گیرد؛ آن طوری که در تاریخ آمده، این میقات از میقات‌های بسیار مهم است که در بیرون مدینه واقع شده و اهمیت زیادی دارد و وجه نام‌گذاری آن به اسامی یادشده چنین است:

۱- این میقات را ذوالحلیفه می‌گویند: حلیفه نام چشمه آبی بوده میان منطقه بنی چشم بن بکر از هوازن و بنی خفاجه العقیلین که پیامبر خدا^(ص) دوست داشتند، برای پوشیدن احرام کنار درختی، در این محل فرود آیند، همچنین احتمال وجود دارد که الحلیفه از واژه حلفا به معنای نئی یا گیاهی باشد که در آب می‌روید (یا قوت حموی، بی تا: ۲، ۲۵۵-۲۵۶). ۲- این میقات را مسجد شجره می‌گویند؛ زیرا رسول خدا^(ص) در این مکان کنار درختی، فرود آمدند و احرام بستند (عبدالرحمن، ۱۴۲۰: ۱۶۷). ۳- این میقات را مسجد الاحرام می‌گویند؛ زیرا حاجیان برای تشریف به مکه مکرمه، به تأسی از رسول اکرم^(ص) در این مسجد احرام می‌بندند.

۴- این میقات را آبار علی می‌گویند؛ زیرا آن حضرت برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه حفر کردند و آبار جمع بئر یا چاه است. ابن عساکر می‌گوید: هذه البئر قریب منها مسجد الشجرة التي بايع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تحتها و لعله اراد المسجد بقوله مسجد الحديبية (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۱، ۳۸۳). رسول خدا^(ص) پس از اقامه نماز در این مکان محرم می‌شدند و ندای «لبيك اللهم لبيك لبيك لا شريك لك لبيك ان الحمد و النعمة لك و الملك لا شريك لك لبيك» را سر می‌دادند.

۴_۳. مساجد در ذوالحلیفه

ذوالحلیفه منطقه وسیع بوده که بعدها در آن مسجدی به نام مسجد شجره بنا کرده‌اند.

دانشمندان اتفاق نظر دارند که در منطقه ذوالحلیفه مسجد دیگری، به نام معرس نیز وجود داشته است. معرس به معنای محل خواب صبحگاهی است که امروزه مسافرخانه نیز اطلاق می‌شود. در گذشته به محل استراحت کاروان‌هایی گفته می‌شد که پس از راهپیمایی شبانه در این مکان به استراحت می‌پرداختند و پس از انجام نماز صبح به حرکت خود ادامه می‌داند (حموی، بی تا: ۵، ۱۵۵).

در روایت آمده که رسول خدا^(ص) در مکانی نزدیک شجره تعریس کرده و نماز صبح را خوانده‌اند و پس چند روزی اطراف این محل دیواری کشیده شد و نام مسجد معرس به خود گرفت؛ اما بعدها سیل آن را خراب کرده است. به روایت عبدالله بن عمر آن حضرت از طریق مسجد شجره از مدینه خارج و از طریق معرس وارد می‌شدند (کلینی، ۱۳۶۷: ۴، ۵۶۵). با گذشت زمان بقایای این مسجد رو به ویرانی نهاد و جز چند تکه سنگ چیده شده روی هم از آن اثری نماند تا این که در توسعه مسجد شجره در دوران آل سعود، آثار مخروبه آن نیز محو گردید (فصلنامه فرهنگی میقات حج، شماره ۶۸: ۶۱).

۴-۴. بررسی فقهی میقات ذوالحلیفه

در این بحث، نخست به اقوال و فتاوی علما و فقههای شیعه می‌پردازیم تا ببینیم که علما و فقههای ما، در این بحث چه دیدگاه‌هایی دارند؛ به عبارت دیگر از نظر فقههای شیعه، میقات مردم مدینه و کسانی از این مسیر عبور می‌کنند، ذوالحلیفه است یا مسجد شجره؟ و آنگاه روایاتی را نیز برای تأیید بحث می‌آوریم.

در این بحث چهار دیدگاه از فقههای امامیه مورد بررسی قرار گرفته است که به ترتیب بیان می‌شود.

۴-۴-۱. دیدگاه اول

پوشیدن احرام از بیرون مسجد صحیح است. این قول مطابق نظرات فقهایی چون؛ آیت‌الله سید کاظم طباطبایی یزدی، آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی و صاحب جواهر است.

سید کاظم طباطبایی یزدی نوشته است: «وَهِيَ مِيقَاتُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مِنْ يَمْرِ عَلِي طَرِيقَهُمْ وَ هَلْ هُوَ مَكَانٌ فِيهِ مَسْجِدُ الشَّجَرَةِ أَوْ نَفْسُ الْمَسْجِدِ؟ قَوْلَانِ وَ فِي جُمْلَةٍ مِنَ الْإِخْبَارِ



انه هو الشجرة و فی بعضها انه مسجد الشجرة و علی ای حال فالاحوط الاقتصار علی المسجد اذ مع كونه هو فاللازم حمل المطلق علی المقید لكن مع ذلك الاقوی جواز الاحرام من خارج المسجد و لو اختیارا» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۲: ۷۹۵). مرحوم سید، احرام از خارج مسجد را جایز و صحیح می‌داند؛ یعنی اگر زائر بیت‌الله الحرام از داخل مسجد نتوانست محرم شود، به خاطر ازدحام جمعیت و از خارج مسجد، لباس احرام را پوشید، احرامش صحیح است.

آقای خویی می‌فرماید: «اقول لو كان الامر كما ذكره المصنف... من تعیین مسجد الشجرة میقاتا فی الاخبار فما ذكره من حمل المطلق علی المقید هو الصحیح لأن ذا الحلیفه ان كان اسما لنفس المسجد فالامر واضح و ان كان المراد بذی الحلیفه المكان الذی فیہ المسجد فلیس المراد بالاحرام منه الاحرام من كل جزء من اجزاء تلك البقعة بل المراد جواز الاحرام من ای مكان من تلك البقعة سواء كان من نفس المسجد او من خارجه و حوالیه» (خویی، ۱۴۱۹: ۲، ۲۶). مسئله همان است که مصنف فرموده است، احرام از خارج مسجد صحیح است. مراد از ذوالحلیفه مکان در آن مکان مسجد واقع شده نیست، بلکه مراد جایز بودن احرام از هر نقطه‌ای ذوالحلیفه است، عام است از نفس مسجد باشد یا خارج مسجد، در هر دو صورت کفایت می‌کند.

آقای گلپایگانی می‌فرماید: «فتحصل من جمیع ما ذکر ان ذا الحلیفه الذی هو میقات لأهل مدینة اوسع من المسجد الذی وقع عند الشجرة تفسیره بالمسجد و اطلاق المسجد علیه كما فی الروایات لیس الامن باب تسمیة الكل باسم جزء و ارادة الكل منه تعظیما للمسجد» (گلپایگانی، ۱۴۰۰: ۱، ۱۸۴). از جمیع آنچه ذکر شد، این مسئله به دست می‌آید، که ذوالحلیفه میقات مردم مدینه است. منطقه‌ای که وسیع‌تر از مسجد است، در اینجا تفسیر به مسجد شده، از باب اطلاق کل به اسم جزء، یا از باب عظمت مسجد است، به هر حال زائر بیت‌الله الحرام می‌تواند، از داخل و خارج مسجد لباس احرام را بپوشد.

صاحب جواهر الکلام می‌فرماید: «نعم فی الدروس انه ذو الحلیفه و افضله مسجد الشجرة و الاحوط الاحرام منه بل عن الكرکی ان جواز الاحرام من الموضع المسمى بذی الحلیفه و ان كان خارجا من المسجد» (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸، ۱۰۸). به هر حال اگر کسی



از مسیر مدینه عازم مکه باشد، از ذوالحلیفه و از بیرون مسجد شجره محرم شود، احرامش صحیح است.

آقای مکارم شیرازی می‌فرماید: «اگر مسجد شجره واجب بود، چرا از مسیر دیگر می‌رود، از روایت استفاده می‌شود که محاذات کفایت می‌کند، با اینکه توان دارد که از مسجد شجره برود، پس کسی هم که از مسیر شجره می‌آید، می‌تواند در محاذات محرم شود. بنابراین نباید در صحت احرام در بیرون مسجد تردید کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۲۰).

۴-۲. دیدگاه دوم

احتیاط واجب آن است که احرام از داخل مسجد شجره باشد. امام خمینی و آیت‌الله فاضل لنکرانی این قول را پذیرفته‌اند. امام خمینی می‌فرماید: «الاول ذوالحلیفه و هو میقات اهل المدینه و من یمر علی طریقهم و الاحوط الاقتصار علی نفس مسجد الشجرة لا عنده فی الخارج» (موسوی خمینی، بی‌تا: ۲، ۱۸۴). احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج مسجد هرچند نزدیک باشد.

آقای فاضل لنکرانی می‌فرماید: «مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند، جایز است در صورت ضرورت احرام را، از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات اهل شام که جحفه است. احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود نه خارج آن، هرچند نزدیک به آن باشد. شخص جنب و حائض می‌توانند، در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند. اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند، در حال عبور از مسجد احرام ببندد، چنانچه آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود یا آب برای او ضرر داشته باشد، باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد همین‌طور است، حائض و نفاساء بعد از آنکه از حیض و نفاس پاک شده باشد» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۲: ۳۷-۳۸).

۴-۳. دیدگاه سوم

وجوب احرام از مسجد شجره است، ولی برای معذور مانند جنب و حائض این است که احرام از بیرون مسجد کفایت می‌کند. این دیدگاه و فتوای برخی علما مانند آیت‌الله صافی



گلپایگانی است می‌فرماید: «يجب عليهم الاحرام من مسجد الشجرة... و اما الجنب و الحائض فلا يجوز لهما دخول مسجد الشجرة والاحرام منه الا اذا كانا مجتازين كان يكون الدخول من باب و الخروج من باب آخر... فاذا لم يمكن الاجتياز وجب عليهما الاحرام من خارج المسجد» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۴: ۵۸-۵۹). احرام از مسجد واجب است؛ اما برای شخص معذور مثل جنب و حائض احرام از بیرون مسجد کفایت می‌کند.

۴_۴_۴. دیدگاه چهارم

واجب است احرام از داخل مسجد باشد، احرام از بیرون مسجد صحیح نیست، حتی برای معذور. این دیدگاه و فتاوی اندک و نادر است به‌طوری که مرحوم شهید با تعبیر قیل آورده است می‌فرماید: «از آن‌رو ذوالحلیفه گفته‌اند که قبیله‌ای از عرب در آنجا سوگند می‌خوردند... و مراد از آن مکانی است که در آن آب جمع می‌شده است و در آنجا است مسجد شجره، احرام از مسجد افضل و مطابق احتیاط است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۲۴). قولی می‌گوید: «احرام از داخل مسجد معین است، چون ذوالحلیفه به مسجد تفسیر شده، به این معنا که احرام از بیرون مسجد صحیح نیست».

مرحوم شهید ثانی با این عبارت خود به دو سؤال مهم پاسخ داده است ۱ - چرا احرام از ذوالحلیفه افضل و برتر است؟ پاسخ: برای تأسی و متابعت از پیامبر گرامی اسلام چون مسلم است، رسول اکرم (ص) از آن مکان محرم شده‌اند. ۲ - چرا احرام از مسجد شجره احوط است؟ پاسخ: قدر متقین از آن مکان مسجدی است به نام شجره که در ذوالحلیفه واقع شده است، پس احرام از مسجد احوط است. اگر در خارج مسجد محرم شود، باید بینیم در ذوالحلیفه بوده یا خیر. اگر در ذوالحلیفه باشد احرامش صحیح است چرا ذوالحلیفه به مسجد تفسیر شده از باب حمل مطلق بر مقید است مطلق منطقه ذوالحلیفه و مقید مسجد شجره واقع در ذوالحلیفه است (فصلنامه فرهنگی میقات حج، شماره ۶۸: ۶۶).

۴_۵. ذوالحلیفه در روایات

این مسئله واضح است، اختلاف در اقوال علما و فقها از باب اختلافی است که در روایات وجود دارد، مثلاً یک روایت ذوالحلیفه را میقات معرفی می‌کند، روایت دیگر مسجد شجره را. اینجا سه دسته روایت به ترتیب بیان می‌شود:



دسته اول: این دسته روایاتی است که ذوالحلیفه را میقات اهل مدینه می‌دانند و زائرین بیت‌الله الحرام باید از ذوالحلیفه محرم شوند. عن ابی‌عبدالله^(ع) قال: «من تمام الحج و العمرة ان تحرم من المواقیث التي وقتها رسول الله^(ص)... وقت لأهل المدينة ذوالحلیفه» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۰۸). در حدیث دیگر می‌فرماید: «عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال: وقت رسول الله صلی الله علیه و آله لأهل المشرق العقیق... و وقت لأهل المدينة ذوالحلیفه» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۰۹). باز در حدیث دیگر می‌فرماید: «عن اخیه موسی بن جعفر علیهما السلام قل سألته عن احرام اهل الكوفة و اهل خراسان و ما یلیهم و اهل شام و مصر من این هو؟ فقال: اما اهل الكوفة و خراسان و ما یلیهم فمن العقیق و اهل المدينة من ذی‌الحلیفه» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۰۹). مراد این سه حدیث این است که میقات مسیر مدینه ذوالحلیفه است، مردم مدینه و کسانی که از این مسیر عازم بیت‌الله الحرام هستند، از ذوالحلیفه محرم شوند.

دسته دوم: این دسته، روایاتی است که احرام مردم مدینه را مسجد شجره می‌دانند، ولی ذوالحلیفه را به شجره تفسیر و معنا کرده است: «قال سألت ابا‌عبدالله^(ع) عن الاوقات التي وقتها رسول الله^(ص) وقت لأهل المدينة ذوالحلیفه و هی الشجرة» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۸، ۲۲۳). در حدیث دیگر می‌فرماید: «عن ابی‌عبدالله (علیه السلام) قال وقت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) العقیق لأهل نجد... و وقت لأهل المدينة ذوالحلیفه و هو مسجد الشجرة» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۱۰-۳۱۱). باز در حدیث دیگر می‌فرماید: «فی کتاب (المقنع) قال: وقت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) لأهل الطائف قرن المناز و لأهل الیمن یلملم و لأهل الشام الهیعة و هی الجحفة و لأهل المدينة ذوالحلیفه و هو مسجد الشجرة» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۱۱). روایات مذکور، میقات مردم مدینه و کسانی که از این مسیر عبور می‌کنند، مسجد شجره یا ذوالحلیفه می‌دانند، ولی آن را به شجره تفسیر و معنا کرده است. در این صورت اهالی مدینه از مسجد شجره که در ذوالحلیفه واقع است، محرم شوند.

دسته سوم: این دسته روایاتی است که ذوالحلیفه را به مسجد شجره تفسیر کرده، ولی هردو نام در روایات آمده است. می‌فرماید: «قال ابو‌عبدالله (علیه السلام) الاحرام من مواقیث





خمسة وقتها رسول الله (صلی الله علیه و آله) لا ینبغی لحاج ولا لمعتمر ان یحرم قبلها ولا بعدها وقت لأهل المدينة ذوالحلیفه و هو مسجد الشجرة یصلی فیہ و یفرض الحج و وقت لأهل الشام الحجة و وقت لأهل نجد العقیق و وقت لأهل الطائف قرن المنازل و وقت لأهل الیمن یلملم و لا ینبغی لأحد ان یرغب عن مواقیث رسول الله (صلی الله علیه و آله)» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۰۸). در حدیث دیگر می فرماید: «قال قلت لابی عبد الله (علیه السلام) لأی علة احرم رسول الله (صلی الله علیه و آله) من مسجد الشجرة و لم یحرم من موضع دونه فقال لِأَنَّهُ لَمَّا أُسْرِیَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ صَارَ بِحِذَاءِ الشَّجَرَةِ نُودِيَ يَا مُحَمَّدُ قَالَ: لَبَّيْكَ. قَالَ: أَلَمْ أَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَيْتُكَ وَ وَجَدْتُكَ ضَالًّا فَهَدَيْتُكَ؟ فَقَالَ: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱، ۳۱۱).

اینجا برای روشن شدن بحث، سه طایفه روایات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که بعضی از احادیث میقات اهل مدینه را، ذوالحلیفه دانستند و بعضی میقات را مسجد شجره و ذوالحلیفه و بعضی هم ذوالحلیفه که تفسیر به مسجد شجره شده است. پرسشی که در این تحقیق مطرح است این است، آیا وجه جمع میان احادیث وجود دارد؟ بعضی آمدند وجه جمع درست کردند که به نظر می رسد وجه جمعشان صحیح باشد.

۴_۵_۱. جمع میان روایات

بعضی بین سه طایفه روایات را جمع کرده اند که جمع روشنی است، چون طایفه سوم قرینه است، بر این که دو طایفه دیگر هم بر یک امر دلالت دارد، بنابراین جمع شاهد دارد و این جمع از باب اطلاق و تقیید است، روایات طایفه اول مطلق و روایات طایفه دوم که مسجد شجره را می گویند، مقید است.

مرحوم آقای حکیم در مستمسک به این جمع اطلاق و تقیید ایراد می کند و می فرماید: این جمع محل تأمل است، چون اینجا از باب جزء و کل است، نه از باب مطلق و مقید، چون مطلق آن است که ذو اجزاء کثیره باشد، ولی ذوالحلیفه کل است و مسجد جزء است و جزء و کل را نمی توان مطلق و مقید دانست. از این اشکال جواب فرموده اند: درست است که جزء و کل است ولی روایاتی که ذوالحلیفه را می گویند: «به این معنا است که یجوز الاحرام من ای موضع شاء. در این صورت ذو اجزاء خواهد بود و روایاتی که می گویند: از

مسجد احرام واجب است مقید است، پس اشکال وارد نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

۴_۵_۲. نکات مهم پیرامون روایات

برای این که بحث روشن شود که آیا میقات مردم مدینه مطابق روایات ذوالحلیفه است، یا مسجد شجره؟ یعنی مردم که از مسیر مدینه عازم مکه هستند، از کدام مکان لباس احرام را بپوشند، توجه به چند مطلب لازم و ضروری است که به ترتیب بیان می‌شود.

نکته اول: روایاتی که گذشت مجموعاً سه طایفه بود، هیچ کدامشان در مقام بیان لزوم احرام، از مسجد شجره نیست و همچنین از آن‌ها استفاده نمی‌شود که میقات اهل مدینه مسجد شجره است، بلکه از روایات این مطلب استفاده می‌شود که ذوالحلیفه میقات مردم مدینه و کسانی است که از مدینه عازم مکه مکرّمه هستند.

نکته دوم: میقات مردم مدینه آیا ذوالحلیفه است یا مسجد شجره؟ و رسول خدا (ص) کدام مکان را برای میقات معین فرموده است برای این که بدانیم میقات مسیر مدینه کجا است توضیحی درباره ذوالحلیفه بدهیم که ذوالحلیفه شامل کدام ناحیه و کدام مکان است، علما و فقهای ما اتفاق نظر دارند که ذوالحلیفه منطقه وسیع است که تنها شامل مسجد شجره نمی‌شود و کسی سراغ نداریم که ادعا کرده باشد که ذوالحلیفه بر مسجد شجره اطلاق می‌شود، پس میقات مردم مدینه ذوالحلیفه است که شامل مسجد و غیر مسجد می‌شود، چنانچه مرحوم آقای گلپایگانی می‌فرماید: فتحصل من جمیع ما ذکر ان ذا الحلیفه الذی و هو میقات لاهل مدینه اوسع من المسجد الذی وقع عند الشجرة تفسیره بالمسجد و اطلاق المسجد علیه کما فی الروایات لیس الامن باب تسمیه الكل باسم جزء و ارادة الكل منه تعظیما للمسجد (گلپایگانی، ۱۴۰۰ ق، ۱: ۱۸۴).

نکته سوم: اکثر علما و فقهای امامیه با توجه به روایات که از رسول اکرم (ص) رسیده است، ذوالحلیفه را میقات مردم مدینه دانسته‌اند، به این معنا که مردم مدینه و کسانی که از این مسیر عازم هستند از منطقه ذوالحلیفه لباس احرام بپوشند و لازم نیست از مسجد محرم شوند، برای نمونه کلام مرحوم شهید ثانی مشاهده می‌کنیم که ایشان لزوم احرام را از مسجد، به «قلیل» که همان قول ضعیف است نسبت می‌دهد، می‌فرماید: «ذوالحلیفه



لتحالف قوم العرب... و المراد الموضع الذی فیہ الماء و به مسجد الشجرة و الاحرام منه افضل و احوط للتأسی و قیل بل یتعین منه لتفسیر ذی الحلیفه فی بعض الاخبار» (گلیایگانی، ۱۴۰۰: ۱، ۲۲۴).

نکته چهارم: ما وقتی در فتاوا و دیدگاه‌های علما و فقها دقت می‌کنیم، به این مطلب می‌رسیم که بسیاری از علما احرام از خارج مسجد را کافی و مجزی می‌دانند، به این معنا که لازم نیست، زائر بیت‌الله الحرام از داخل مسجد شجره محرم شوند، اگر از بیرون مسجد لباس احرام بپوشد کفایت می‌کند، مثل کسی که معذور است از ورود به مسجد مانند شخص جنب و حائض. از آن جمله‌اند مرحوم آیت‌الله میرزا جواد تبریزی که می‌فرماید: «و هو میقات اهل المدینة و کل من اراد الحج عن طریق المدینة و یجوز الاحرام من خارج المسجد محاذیا له من الیسار او الیمین و الاحوط الاحرام من نفس المسجد مع الامکان» (تبریزی، ۱۴۱۴ ق، ۱: ۸۰).

آقای مکارم شیرازی می‌فرماید: «مسئله دوم در مورد حائض و نفساء و جنب است که نمی‌توانند وارد مسجد شوند، البته این مسئله طبق مبنای کسانی است که مسجد را مبدأ احرام می‌دانند، و بیرون مسجد را کافی نمی‌دانند ولی ما که بیرون مسجد را هم کافی دانستیم این افراد مشکلی نخواهند داشت و از بیرون مسجد می‌توانند محرم شوند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

۴-۶. میقات مسیر مدینه به مکه

پس از بیان مطالب و روایات که گذشت، اکنون به پاسخ این پرسش می‌پردازیم که ما را به رأی صواب و نظریه درست می‌رساند، همان‌طور که دیدیم، بعضی از اخبار میقات مردم مدینه را ذوالحلیفه دانست و در هیچ‌یک از آن‌ها نگفت احرام از مسجد شجره لازم و واجب است، بلکه در مقام تفسیر فرمودند: هو الشجرة در جای دیگر می‌فرماید: و وقت لأهل المدینة ذوالحلیفه هو مسجد الشجرة.

با توجه به این که اشعار و تقلید حکم احرام را دارد، لازم است این دو کلمه مقداری توضیح داده شود، اشعار به معنای شکافتن پشت حیوان در حد یک علامت‌گذاری که خون بیاید و خون را بمالد تا شناخته شود که برای قربانی است و معمولاً حیوان را علامت‌گذاری



می‌کنند. این مخصوص شتر است، ولی تقلید به معنای چیزی به گردن حیوان انداختن به نشانی قربانی هم در شتر و هم در غنم و بقر تصور دارد.

در روایت آمده: «والا شعار و التقلید بمنزلة التلبیة» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۹، ۱۸). سؤال مطرح این است، در صورتی که زائر بیت‌الله الحرام قربانی همراه دارد، آیا امکان محرم شدن از داخل مسجد شجره وجود دارد؟ مخصوصاً رسول اکرم (ص) که صد شتر آورده است چه گونه ممکن است آن‌ها را از داخل مسجد عبور بدهند! ممکن است کسی جواب دهد این مورد استثنا شده است، ولی باید گفت چنین استثنایی در روایات وجود ندارد.

به عبارت دیگر وقتی رسول خدا (ص) از میقات ذوالحلیفه محرم می‌شدند، آیا در زمان حضرت در آن مکان مسجدی وجود داشته یا نه؟ یا مسجد در سفرهای بعدی حضرت مثل حجة الوداع بنا کردند، حالا بر فرض که مسجدی وجود داشته است، از کجا معلوم که همه همراهان حضرت، از داخل مسجد محرم شدند! مخصوصاً سفر حجة الوداع آن طوری که در تاریخ اسلام آمده، صدویست هزار نفر حضرت را همراهی کردند، همراهان همه مرد نبودند و تعدادی جمعیت را زنان تشکیل می‌دادند (امینی، ۱۴۱۶: ۱، ۳۱). چه بسا بعضی از آن‌ها از ورود به مسجد معذور بودند؛ اما این که رسول‌الله دستور خاصی برای معذورین صادر نفرموده، معلوم می‌شود که ورود به مسجد لازم نبوده و معذورین و غیر معذورین می‌توانند، از خارج مسجد محرم شوند (فصلنامه فرهنگی میقات حج، شماره ۶۸: ۷۲).

بعضی از علما و فقهای امامیه براین باورند که احرام از مسجد واجب نیست؛ یعنی مستحب است. مانند صاحب عروة الوثقی، صاحب جواهر، سید محمد رضا گلپایگانی و میرزا جواد تبریزی و... ولی بعضی از علما و فقهای امامیه مانند حضرت امام (ع) و آقای فاضل لنکرانی، احرام از داخل مسجد را احتیاط واجب دانسته‌اند. این موجب مشکلات زیادی به‌ویژه برای زنان شده است.

امروزه در سفر حج مشاهده می‌کنیم که روحانی کاروان با چه سختی‌ها و مشکلاتی روبه‌رو است، باید به اطلاع مؤمنین برساند که مطابق فتوای عده‌ای بزرگان که احرام از داخل مسجد را احتیاط واجب می‌دانند، بانوان معذور که مقلد آنان باشند نمی‌توانند، مانند دیگران از داخل مسجد محرم شوند و احرام از خارج مسجد صحیح نیست، پس تکلیف



آنان چه می‌تواند باشد.

چه فرق است میان میقات و مسجد شجره که در اینجا داخل مسجد را میقات بدانیم و در میقات‌های دیگر محل را میقات به حساب آوریم، با توجه به این که اتفاق و اجماع در مواقیت، بر میقات بودن منطقه است، نه مسجد و در مسجد شجره نیز اجماع و یا حداقل قریب به اتفاق علما بر این است که منطقه میقات است، همان گونه که می‌دانیم مراجع عظام تقلید یا فتوا به کفایت احرام از خارج مسجد داده‌اند و یا حداکثر احتیاط کرده‌اند.

بنابراین احرام از خارج مسجد مشکلی نخواهد داشت و همه افراد می‌توانند، در بیرون مسجد محرم شوند. با این باور که میقات منطقه است، گرچه افضل و برتر مسجد است و کسانی که مشکلی برای ورود به مسجد ندارند، برای درک فضیلت از مسجد محرم می‌شوند؛ (فصلنامه فرهنگی میقات حج، شماره ۶۸: ۷۳-۷۴) اما کسانی که مشکل دارند، از خارج مسجد احرام بپوشند، همین کفایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

فقه‌های شیعه بالاتفاق، اصل مشروعیت میقات را پذیرفته‌اند؛ اما اختلاف نظر آن‌ها در تعیین محل دقیق میقات است. پرسش اصلی اینجاست که آیا مکانی که رسول اکرم (ص) به عنوان میقات تعیین فرموده‌اند، ذوالحلیفه است یا مسجد شجره؟ برخی بر این باورند که محل احرام و میقات مردم مدینه، ذوالحلیفه است؛ به این معنا که مردم مدینه و کسانی که از این مسیر عبور می‌کنند، باید از منطقه ذوالحلیفه محرم شوند. در مقابل، گروهی دیگر نظر داده‌اند که بنا بر احتیاط واجب، احرام باید از داخل مسجد شجره صورت بگیرد. این دیدگاه مورد تأیید حضرت امام خمینی و آیت‌الله فاضل لنکرانی قرار گرفته است.

در مقابل، برخی از فقها بر این باورند که احرام از داخل مسجد شجره واجب است، ولی برای افراد معذور، مانند فرد جنب یا زن حائض، احرام از بیرون مسجد کفایت می‌کند. این دیدگاه در فتاوی علمایی چون آیت‌الله صافی گلپایگانی دیده می‌شود. بی‌تردید، منشأ این اختلاف فتاوا، تفاوت روایات موجود در این زمینه است؛ چراکه برخی از روایات، میقات را ذوالحلیفه معرفی کرده‌اند و برخی دیگر، مسجد شجره را میقات دانسته‌اند. با این حال، هیچ‌یک از این روایات، احرام از مسجد شجره را به صورت لازم و واجب بیان نکرده‌اند.

بنابراین، احرام از ذوالحلیفه یا از خارج مسجد شجره، اشکالی نداشته و زائران بیت‌الله
 الحرام که از مسیر مدینه عازم مکه می‌شوند، می‌توانند از منطقه ذوالحلیفه و بیرون از
 مسجد نیز محرم شوند. با این حال، برای درک فضیلت بیشتر، بهتر است احرام از داخل
 مسجد انجام گیرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۴)، *النهايه فى غريب الحديث*، قم: مؤسسه اسماعيليان.
۲. ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۰۷ ق)، *السرائر*، قم: جامعه مدرسين.
۳. ابن جریر طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ ق)، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵ ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دارالفکر.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ ق)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزه.
۶. امینی، عبدالحسین، (۱۴۱۶ ق)، *الغدير*، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه.
۷. بحرانی، یوسف بن احمد، (بی تا)، *حدائق الناضره*، قم: جامعه مدرسين.
۸. تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۱۴ ق)، *مناسک الحج*، قم: انتشارات مهر.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، *الصحاح*، بیروت: دارالملايين.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۱. حلبی، ابوالصلاح تقی بن نجم، (۱۴۰۳ ق)، *الکافی فی الفقه*، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین (ع).
۱۲. حموی، یاقوت بن عبدالله، (بی تا)، *معجم البلدان*، بیروت: انتشارات احیاء التراث العربی.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۹ ق)، *المعتمد فی شرح العروة الوثقی*، قم: احیای آثار امام خویی.
۱۴. ساعدی اصفهانی، علی، (بی تا)، *پیشوایی اسلام*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۴۱۴ ق)، *المراسم العلویه*، قم: المعاوینة الثقافية للمجمع العالمی لاهل البيت (ع).
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۴ ق)، *مناسک حج*، قم: دارالقرآن الکریم.





۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۴ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.
۱۸. طباطبائی یزدی، سیدکاظم، (۱۴۲۲ ق)، عروة الوثقی، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۹. طباطبائی، سید علی، (۱۴۱۵ ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة للجماعة المدرسین.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ ق)، الاقتصاد الهادی الى طریق الرشاد، بی جا: مکتبه جامع چهلستون.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، النهایه، بیروت: انتشارات دار الاندلس.
۲۳. عاملی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ق)، الروضه البهیة، قم: انتشارات داوری.
۲۴. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۴ ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۵. عبدالرحمن، عبدالعزيز (۱۴۲۰ ق)، المجموعه المصوره المدينه المنوره، بیروت: انتشارات احیاء التراث العربی.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۲ ق)، مختلف الشیعه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۷۲)، مناسک حج، قم: انتشارات مهر.
۲۸. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۳۹۳)، کشف اللثام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۹. فصلنامه فرهنگ میقات حج، شماره ۶۸.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، اصول کافی، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۳۱. گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۰۰ ق)، مناسک الحج، دارالقرآن الکریم.
۳۲. محمد حسن نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، جواهر الکلام، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹)، درس خارج.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر وسیله، (ترجمه: علی اسلامی)، قم: انتشارات اسلامی.